





## اشاره

### الف) معرفی سراینده

در نبی نامه هیچ اشاره‌ای به نام، نسب و لقب سراینده نشده و در منابع هم ذکری از نبی نامه و سراینده اش دیده نمی‌شود.

اطلاعاتی که از میان ابیات نبی نامه دربارهٔ این سراینده به دست می‌آید عبارتند از:

۱. وی اهل شیراز بوده و نبی نامه را در شیراز سروده است؛ زیرا در ابتدای منظومه در مدح کوتاه میرزاعبدالله، پسر و جانشین ابراهیم میرزای تیموری، می‌گوید:

الهی ز چشم بدش دور کن بدو ملک شیراز معمور کن<sup>۱</sup>  
و همچنین در جای دیگری به نسب خودش این‌گونه اشاره کرده است:

بتخصیص در شهر شیراز ما در این مأمّن و معدن ناز ما<sup>۲</sup>  
۲. براساس این ابیات وی در جوانی احتمالاً شغل پبله‌وری داشته و اوضاع مالی و اقتصادی اش بد نبوده است:

عزیزی که با ما مصاحب بُدی به دیدار ما شاد و راغب بُدی  
مرا گفت روزی که ای هم‌نفس تو را گویم آن که نگفتم به کس  
کتابی ز مولود سلطان دین رسول خداوند جان‌آفرین  
به نظم آور و سعد بسیار کن جهانی پر از مشک تاتار کن  
بدو گفتم ای یار دمساز من گهی همدم و گاه همراز من  
کجا پبله‌ور درّ و زر از کجا کجا بی‌هنر این هنراز کجا<sup>۳</sup>  
زمان جوانی که زر داشتم کتابی نکودر نظر داشتم<sup>۴</sup>

۳. براساس ابیات زیر، وی با کمال غیاث فارسی دوستی داشته و کمال، نبی نامه‌وی را تأیید و تحسین کرده است. همچنین براساس این ابیات مشخص می‌شود که میزان دانش، فراوانی و تنوع آثار، عقاید و مذهب کمال چگونه بوده و نیز تأیید می‌شود که کمال فارسی تا ۸۴۴ق (سال سرایش نبی نامه ← سطور آینده) زنده بوده است، چنان‌که برخی از منابع نیز بر فوت او در سال ۸۴۸ق توافق دارند:<sup>۵</sup>

دگر افضل شاعران زمان کمال غیاث افضل کاردان

۱. نبی نامه (خطی کتابخانه فاتیح)، برگ ۳ پ.

۲. همان، برگ ۷۰ پ.

۳. همان، برگ ۳ پ.

۴. همان، برگ ۱۴ ر.

۵. دیوان کمال غیاث فارسی، ص ۴۶.

که مشهور شهر است و معروف دهر	به قدش لباس هنرنیست قصر
کران تا کران صیت تقریر اوست	چهل نسخه شعر تصنیف اوست
مر آن اربعین کمالی بود	خود او مرد دین و موالی بود
به مدح حبیب حبیب خدا	ده و ده هزار است نظم ورا
در آن اربعین بیت او در شمار	صدویست و چهار است هر یک هزار
به علم نجوم از طریق مصاف	بود اعلم و اغلب و موشکاف
در این نسخه هم دیده دل گماشت	چوزر محترم کرد و مقبول داشت <sup>۶</sup>

۴. این پیله و شیرازی با حافظ علاف شیرازی نیز مصاحبت و دوستی داشته است. از علاف شیرازی اطلاع زیادی در دست نیست. این شاعر در سده ۸-۹ ق می‌زیسته و تنها یک اثر از وی با عنوان «ولی‌نامه» شناسایی شده که آن را در سه مجلد، به سلطان ابراهیم تیموری (۸۳۸ق) تقدیم کرده است.<sup>۷</sup> وی ولی‌نامه را بر اساس این ابیات در طی شش سال سروده و آن را در ۱۹-۲۳ رمضان ۸۲۱ ق و در ۲۴ هزار بیت به پایان برده است:

جمله ابیات وی اندر شمار	چهار هزار است و دو ره ده هزار
مجمعل جمعش ز فزونی ز شرح	در سه مجلد شده از غیب طرح
مدت شش سال در این بحر ژرف	شد سرمن غوص کن صوت و حرف
در حرم جامع بیت عتیق	آن به خدا مجمع جمع صدیق
در شب یکشنبه قدر از صیام	گشت به اقبال سعادت تمام
فی سنة الطاهرة الهجرية	احدی و عشرین و ثمان مائه <sup>۸</sup>

ولی‌نامه، تذکره الاولیای عطار نیشابوری به نظم است و مهم‌ترین نسخه آن در کتابخانه نور عثمانیه ترکیه (به شماره ۲۲۹۷) نگهداری می‌شود که در زمان حیات علاف (از ۸۲۱ ق تا ۸۳۸ ق) نوشته شده و در همین فاصله به کتابخانه سلطان ابراهیم تیموری تقدیم شده است.

سراینده نبی‌نامه در انتهای اثرش ضمن مدح علاف شیرازی به اثر وی، ولی‌نامه نیز اشاره کرده و گفته که علاف، نبی‌نامه را پس از مطالعه تأیید و تحسین کرده است:

پس از وی پسندیده علاف ما	که از وی سزد گربود لاف ما
که عطار این دور علاف ماست	دژ معنی است او و صراف ماست
به علم تصوّف سرآمد وی است	خردمند و جوای سرمد وی است
ولی‌نامه منظوم آن مقتداست	در این عرصه او شاعری پادشاست
نظر کرد و دید این نبی‌نامه او	بسی کرد تحسین به وجهی نکو <sup>۹</sup>

بر اساس این ابیات، حافظ علاف شیرازی تا ۸۴۴-۸۴۵ ق که زمان اتمام نبی‌نامه است، زنده بوده.

۵. بر پایه این ابیات، سراینده نبی‌نامه در زمان سرودن این منظومه (به سال ۸۴۴ ق) در پیروی و کهن‌سال‌ی به سر می‌برده و عیال‌وار بوده است:

---

۶. نبی‌نامه (خطی کتابخانه فاتح)، برگ ۲۲۳ ر.  
۷. برای اطلاع بیشتر، ک به: فهرست دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه نور عثمانیه، ص ۴۶؛ مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی زبان فارسی و اندیشه ایرانی - اسلامی (فریدالدین عطار نیشابوری): «معرفی و متن‌شناسی ولی‌نامه» (تذکره الاولیای منظوم)؛ وحید قنبری نیز: حمیدرضا خوارزمی؛ فاطمه امینی زاده؛ ص ۱۳۵۵-۱۳۶۹.  
۸. ولی‌نامه (خطی کتابخانه نور عثمانیه)، برگ ۳۱۲ پ.  
۹. نبی‌نامه (خطی کتابخانه فاتح) برگ ۲۲۳ ر.

دریغاً حیاتم که بر باد شد      همه عمر من صرف بیداد شد  
 دریغاً شبابم که در باختم      ز غفلت به طاعت نپرداختم  
 جوانی و قوت من شد چو باد      کنون ضعف و پیری به من رو نهاد  
 چو بودم مجرّد چه خوش بود حال      اسیرم کنون پایبند عیال<sup>۱۰</sup>

در نتیجه زمان تولد وی باید در نیمهٔ دوم سدهٔ ۸ ق بوده باشد. نکتهٔ دیگر اینکه وی در زمانی که به توصیف کعبه با جزئیاتش می‌پردازد<sup>۱۱</sup> نشانه‌ای از به حج رفتن در طول حیاتش ارائه نمی‌دهد.

۶. این سراینده در علوم دینی و به‌ویژه در حدیث تبخّر داشته و به گفتهٔ خودش نبی‌نامه را بر اساس روایات و احادیث صحیح و معتبر سروده است.

دوم آنکه بعضی حدیث صحیح      رسانم به مردم به لفظی فصیح ...  
 در این نسخه تا شد نشان قبول      بسی جمع کردم حدیث رسول<sup>۱۲</sup>

همچنین وی استادی داشته که از وی روایات و نقل‌های زیادی ذکر کرده است، برای نمونه:

که نقلی دگر دارم از اوستاد      گرامی چو طبع خوش و روی شاد<sup>۱۳</sup>  
 مدرّس که بود اوستاد حدیث      که از دین همی داد داد حدیث  
 گهی کان سخن‌دان به تقریر بود      بیان کرد و گوشم بدان پیر بود<sup>۱۴</sup>

وی از استادش به نیکی یاد کرده و گفته که این استاد نیز قصد داشته که نبی‌نامه‌ای بسراید، ولی موفق نشده و این کار را وی برعهده گرفته است:

ز بس کاین درر صاحب جاه شد      از آن دست استاد کوتاه شد  
 که استاد دستش بلرزد چو بید      سوی سفتن دژهای سفید  
 ز بس قیمت آن، که می‌داند او      دل از سفتنش باز می‌ماند او  
 در این باب دارم حدیثی عجیب      شنوتایابی از این هم نصیب  
 کسی گوهری قیمتی بس لطیف      ببرد آن بر اوستادی شریف  
 که تا سفته سازد گهر اوستاد      در آن سفتن استاد فتوی نداد  
 که ترسید و لرزید دستش بدان      ز بس قیمت و قدر گوهر چنان  
 به نزدیک اوستاد نیکوسیر      به شاگردی استاده بُد یک پسر  
 قضا سوی خانه شد استاد او      که در خانه چیزی شد از یاد او  
 به دکان رها کرد گوهر برفت      سوی خانه استاد چون باد تفت  
 چو شاگرد ز استاد خالی بماند      سبک خویشتن را سوی خانه خواند  
 به جلدی ستد گوهر پر بها      ندانست چون قدر او از قضا  
 ز نادانی آن کودک تیزمغز      به دستش برآمد مرآن کار نغز

۱۰. همان، برگ ۵ پ.

۱۱. همان، برگ‌های ۲۶-۲۷.

۱۲. همان، برگ ۳ پ و ۴ ر.

۱۳. همان، برگ ۱۳ پ.

۱۴. همان، برگ ۶۱ ر.

کنون این مثل مثل تصنیف ماست نکوبشونو و فرقی کن کج ز راست<sup>۱۵</sup>  
۷. در زمان سروده شدن نبی نامه در سال ۸۴۴ ق پدر، مادر و استاد (مذکور در سطور پیشین) این سراینده شیرازی از دنیا رفته بوده اند:

در این باب عزیزانم آمد به یاد که برد از میانشان اجل همچو باد  
کجا شد پدر مادر مهربان کجا رفت استادم آن نکته دان<sup>۱۶</sup>

۸. این سراینده با اینکه بر مذهب اهل تسنن بوده، ولی بسیار به تشیع نزدیک است و اعتقادات او بر اساس احترام به ائمه اهل سنت و ائمه شیعه شکل گرفته و در هم آمیخته و می توان گفت که وی بر مذهب سنیان دوازده امامی بوده است. البته شایان ذکر است که وی در این متن هر جا به ذکر خلفای چهارگانه پرداخته، ابیات بیشتر، بهتر و با کیفیت تری را به مدح امام علی (ع) اختصاص داده و در جایی نیز بریزید بن معاویه لعنت فرستاده و در اهمیت روز عاشورا اشعاری سروده است.<sup>۱۷</sup> برای نمونه وی بعد از نعت پیامبر (ص) می گوید:

ابوبکر صدیق صف صفاست بحق جای گیرنده مصطفاست  
دروود نبی قوت جان داشتی نبی وصف او در بیان داشتی  
پس از وی خلیفه عمر بوده است عمر آنکه عمری دگر بوده است  
چنان در ره حق در آمیختی که از راه او دیو بگریختی  
به دورش زمین در تزلزل افتاد بر او در زمین درّه باز ایستاد  
جهان یقین و صلابت عمر سراپای شرع و عدالت عمر  
عمر آن که نیکو سرشت آمده چراغ بساط بهشت آمده  
چنان رأی پاکش نکو آمدی که آیت بدان سان فرو آمدی  
مسلمان کامل به کار آمده است که اسلام از او آشکار آمده است  
چو صلوات پیغمبرش بود گفت بسی مدح او شاه موجود گفت  
امیری که هم کیش ایشان بود یقین دان که عثمان عقیان بود  
گهی فتنصی قاف قرآن شده گهی در ره قرب قربان شده  
گهی خاتم دین نکو بوده است دو نور نبی را قرین بوده است  
قضای بقا بحر تقوی ست او به صورت گل باغ معنی ست او  
به هردو جهان ابن عقیان بود قبول حق و خواجه عثمان بود  
کرامات و ایثار او خوانده ام به جان تخم حبش بیفشانده ام  
که آن میر صلوات گفت از وفا گهی کرد بروی دعا مصطفی  
امیری که شیر خدا آمده است علی ولی مرتضی آمده است  
سپهر کرم مهر علم و عطا مطیع خدا و اخ مصطفی  
علی بلبل بوستان قبول گهش حق ثنا گفت و گاهی رسول  
امید عزیزان عالم علی ست نشاط فرومانده غم علی ست

۱۵. همان، برگ ۲۲۲ ز.

۱۶. همان، برگ ۲۱۷ پ.

۱۷. همان، برگ ۱۶۸ ز.

علی شاه ملک ولایت بود  
 علی را نبی دان نبی را علی  
 گهی حاجتی بر علی دست داد  
 ز مغرب دگر حق بر آورد خور  
 سخن گفتن از وی ندانیم ما  
 هر آن گل که از حق به حیدر شکفت  
 سزد گدر این دم دعایی کنیم  
 خدایا بحق علی ولی  
 بحق حسین آن شهید عنا  
 بحق گزین حمزه شیردل  
 بحق مهاجر به انصار دین

و در جایی دیگر در هنگام مکالمه حضرت محمد (ص) با فلک می‌گوید:

اگر ماه تابان تو داری یقین  
 اگر در تو برج حمل نازل است  
 چه گربرج ثور از تو دارد وطن  
 اگر برج جوزا تو را هست عین  
 اگر برج سرطان تو داری یقین  
 به برج اسد گرتورا زینت است  
 اگر سنبله در تو شد جای گیر  
 به میزان تو را گرتوفاخر بود  
 تو را هست از برج عقرب شرف  
 تو را گربه قوس است بازوی زور  
 ز جدی ار تو را جاه و رفعت بود  
 به دلوار تو را می‌سزد همسری  
 اگر داری از حوت نشو و نما

و در جایی دیگر در فضیلت ابوبکر می‌گوید:

محبّ تو مومن بود خافضی  
 عدوی تو کافر بود رافضی<sup>۱۸</sup>

۹. این سراینده تمایلات عرفانی داشته و در نبی‌نامه از عرفا به نیکی ذکر و داستان‌هایی از آنها در اثرش درج کرده است. برای نمونه از بایزید بسطامی داستانی در نتیجه خدمت به پدر و مادر،<sup>۱۹</sup> از شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی داستانی از صوفی زرگری که به انکار معراج پرداخته<sup>۲۰</sup> و نیز داستانی را از امین‌الدین کازرونی (از مشایخ سلسله

۱۸. همان، برگ ۲. ر.

۱۹. همان، برگ ۴۶. ر.

۲۰. همان، برگ ۱۳۵. پ.

۲۱. همان، برگ ۶۴. پ.

۲۲. همان، برگ ۱۲۸. ر.

مرشدیه کازرونیه<sup>۲۳</sup>) ذکر کرده است.<sup>۲۴</sup>

۱۰. براساس این بیت:

مؤلف که تالیف نسخه نهاد به کنزالخفی این چنین کرد یاد<sup>۲۵</sup>  
سراینده نبی نامه کتابی دیگر به نام کنزالخفی داشته که داستان سلیمان و پیربازار را از آن کتاب در نبی نامه نقل می‌کند و بنا بر این بیت:

نبی نامه بگشاز دیوان من بیین و بخوان و بدان جان من<sup>۲۶</sup>  
احتمالاً دیوان شعری نیز داشته است.

(ب) معرفی نبی نامه

۱. نام منظومه:

در کتیبه نسخه فاتح (معرفی کامل نسخه در سطور آینده) عنوان این منظومه این گونه کتابت شده: «مولود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم»، ولی در خود متن بارها عنوان این منظومه «نبی نامه» ذکر شده است. از جمله:

مرا چون شعاری نکوتر نبود ز شعر نبی نامه بهتر نبود  
به جاه محمد امام انام شود این نبی نامه بر من تمام  
نبی نامه شد نام این مثنوی نبی نامه باشد همه معنوی<sup>۲۷</sup>

۲. محتوا و مضمون:

آغاز نبی نامه با این ابیات است:

به نام خداوند هر دو جهان خداوند بخشنده مهربان  
صفاتش عظیم است و ذاتش قدیم کلامش قدیم است و نامش رحیم<sup>۲۸</sup>

و با حمد خداوند و چگونگی به وجود آمدن انسان از نطفه و قرار گرفتن در رحم و ذکر صفات خداوند ادامه پیدا می‌کند و پس از دیباجه‌ای مفصل به نعت نبی مکرم اسلام (ص) و ذکر برخی از معجزات ایشان می‌رسد و سراینده بعد از مدح اصحاب کبار و خلفای چهارگانه، به مدح شاهرخ تیموری پرداخته و برای ابراهیم میرزای تیموری طلب آموزش می‌کند و آرزو می‌کند که شیراز در سایه حکومت میرزا عبدالله، پسر و جانشین ابراهیم میرزا، معمور و آباد شود. البته باید گفت ابیات مدحی سراینده به گونه‌ای نیست که نشان دهد نبی نامه به شاهرخ یا میرزا عبدالله اتّحاف و تقدیم شده است.

در ادامه نبی نامه، سبب نظم کتاب و ده نیتی که براساس آن این منظومه سروده شده، آمده است. در این بخش مفصل، سراینده می‌گوید که یکی از دوستان مصاحب و همراهان همیشگی دائماً به وی توصیه و تأکید می‌کرده که در شرح احوال پیامبر (ص) منظومه‌ای بسراید و وی سرانجام با استخاره و مشورت، بنا برده نیت، سرودن این منظومه را آغاز می‌کند. سراینده در ادامه می‌گوید که نبی نامه را بر چهار قسم تقسیم کرده است: قسم اول در ذکر نور پیامبر (ص)، قسم دوم شرح زندگانی پیامبر (ص) تا ۶۳ سالگی، قسم سوم در چگونگی نزول وحی و رخدادهایی مانند معراج، آزارها و جفاهایی که پیامبر (ص) در زمان نبوت دیده‌اند، قسم چهارم در هجرت، معجزات، غزوات و وفات پیامبر (ص) و خاتمه. با بررسی نبی نامه مشخص می‌شود که قسم بندی و موضوعاتی که سراینده در مقدمه

۲۳. برای اطلاع بیشتر رک به: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۸۷۵.

۲۴. همان، برگ ۸۳ پ.

۲۵. همان، برگ ۱۲۵ ر.

۲۶. همان، برگ ۱۶۲ ر.

۲۷. همان، برگ ۵ ر.

۲۸. همان، برگ ۱ پ.

گفته با مطالب و متن منظومه هماهنگی و انطباق دارد. نکته آخر اینکه وی در میانه متن به برخی از منابع خودش اشاره کرده است از جمله: تاج التراجم، تنبیه الغافلین، روض الراحین<sup>۲۹</sup> و ...

### ۳. زمان سرایش:

بنا براییاتی که در نبی نامه آمده، آغاز سرایش این منظومه برابر با ۸۴۴ ق بوده است، از جمله:

چنان جازم و ثابت راه دین      که بعد از چل و چار و هشتصد سنین<sup>۳۰</sup>  
به سال چل و چار و هشتصد سنین      حوالت شد از غیب بر ما چنین<sup>۳۱</sup>  
زهی امت سیدالمرسلین      که بعد از چل و چار و هشتصد سنین<sup>۳۲</sup>  
و بنا بر این بیت که در میانه منظومه آمده است:  
کنون هشتصد و چار و چل زان گذشت      بین همچو باد وزان درگذشت<sup>۳۳</sup>  
نبی نامه در همان سال به نیمه رسیده و بنا بر این بیت ظرف یک سال تمام شده است:

نبی نامه کردم به سالی تمام      پسندید خاص و پذیرفت عام<sup>۳۴</sup>

### ۴. تعداد ابیات:

سراینده نبی نامه در این بیت: «همانا که ابیاتش اندر شمار/ قیاساً بود بیست با چار هزار»<sup>۳۵</sup> می گوید که تعداد ابیات منظومه اش حدود ۲۴ هزار بیت است، ولی با شمارش برگ ها و ابیات در نسخه موجود بیش از ۲۱ هزار بیت باقی نمی ماند. همین نکته احتمال دستبرد و دست اندازی کاتب یا کاتبان در نسخه های این اثر را جدی می کند؛ به ویژه اینکه داستان غدیر خم و حجة الوداع کلاً در نبی نامه نیست و این با روش و شیوه سراینده که به همه جزئیات زندگی پیامبر (ص) پرداخته و نیز با عقاید مذهبی وی همخوانی ندارد.

### ۵. تاکید بر صلوات بر نبی ﷺ

ویژگی دیگر نبی نامه تاکید سراینده آن بر ذکر صلوات و فضیلت صلوات فرستادن بر پیامبر (ص) است تا جایی که هر فصل و نقلی را با بیتی در فضیلت صلوات به پایان می برد و در بین داستان ها، نقل ها و روایات به نظم مفصل روایاتی که درباره توصیه و فضیلت صلوات است پرداخته تا حدی که می توان نام دیگر این منظومه را صلوات نامه نامید. خود سراینده نیز در جای جای نبی نامه برای مهم تأکید کرده است، برای نمونه:

در آغاز هر فصل دیباجه ای      در آخر ز صلوات و منهاجه ای  
بگویم ز صلوات چندان سخن      که گردون همه در فشانند به من  
کز این نظم و این نسخه ای هم نفس      غرض ذکر صلوات بوده ست و بس<sup>۳۶</sup>

### ۶. داستان های فرعی

در میان مضامین اصلی این منظومه، گهگاه داستان های فرعی، مهم و جالبی نیز دیده می شود، مانند داستان صوفی زرگر و انکار معراج<sup>۳۷</sup> و یا قصص دیگر انبیا.

۲۹. همان، برگ های ۱۸۲، ۱۸۹ پ و ۲۰۰ پ.

۳۰. همان، برگ ۲ پ.

۳۱. همان، برگ ۵ ر.

۳۲. همان، برگ ۴۸ ر.

۳۳. همان، برگ ۱۲۱ پ.

۳۴. همان، برگ ۲۲۱ پ.

۳۵. همان.

۳۶. همان، برگ ۵ ر.

۳۷. همان، برگ ۱۲۸ ر.



## ۷. اطلاعات تاریخی و فرهنگی

در نبی نامه گاهی اطلاعات مهم و جالب توجهی از محیط زندگی شاعر در شیراز دیده می شود، مانند گلایه های متعددی که از وضعیت احوال و روزگار در سال ۸۴۴ ق کرده و از سستی دین مردم و اعتقادات آنها و آشفتگی اوضاع نالیده است یا برگزاری جشن میلاد حضرت محمد (ص) در شیراز که در این ابیات به آن اشاره کرده است:

در این بیشه تا پیش بشتافتم	ز پیشینیان اینچنین یافتم
که ماه ربیع اول اندر عرب	ربیع دل است و بهار طرب
بحمدالله اندر دیار عجم	از آن خطه بیش آمد این کیش کم
بتخصیص در شهر شیراز ما	در این مأمن و معدن ناز ما
که این ماه مرد وزن و خاص و عام	امیر و فقیر و انام و غلام
به مولود آن نور جنات و حور	همه غرق عیشند و نور حضور
به هر گوشه ای مجلسی ساخته	به عیش و طرب جان و دل آخته
به رغبت عزیزان به جمع آمده	همه با گل و عود و شمع آمده
برآورده از مهر آن مه خروش	یکی در بیان و دگرها خموش
همه غصه سوز و همه قصه کش	شده جمله خوشوقت در وقت خوش
گه از سیر و از سیرت مصطفی	که صلوات بر حضرت مصطفی
گه از نعت او گاه از نام او	گه از کام و گاهی ز ایام او
که جمعی در آنجا می جان چشند	زبان را به صلوات جانان کشند <sup>۳۸</sup>

از دیگر اطلاعات مهم که در این منظومه آمده، ذکر سعدی در چند جا و ذکر نام آثار اوست، از جمله:

نکو گفت سعدی به بستان خویش      سوی نعت سرو گلستان خویش<sup>۳۹</sup>

## ج) تقابل با فردوسی

### ۱. ذکر فردوسی به نیکی

سرایندهٔ نبی نامه توجه خاصی به فردوسی داشته و با ادب از او یاد کرده و حتی یک بیت شاهنامه را نیز تضمین کرده است:

چه خوش گفت فردوسی تیزویر      تونیزای پسرزان پدر ییاد گیر  
«درخشیدن ماه چندان بود      که خورشید رخشنده پنهان بود»<sup>۴۰</sup>

### ۲. تقابل و نقد شاهنامه

سرایندهٔ نبی نامه در جایی که از نیت پنجمش برای سرودن نبی نامه می گوید، این گونه فردوسی و شاهنامه و مریدانی را که در پی یک بیت شاهنامه بوده اند نکوهش و از آنها انتقاد می کند:

دگر پنجمین نیت آن داشتم	که خاطر سوی مردمان داشتم
چو دیدم مریدان هنگامه اند	بجان در پی بیت شهنامه اند
تصوّر نمودم که دامی کنم	به نظّم نبی نامه نامی کنم
همان وزن شهنامه نامش نهم	ز صلوات تاجی به فرقش نهم

۳۸. همان، برگ ۷۰ پ.

۳۹. همان، برگ ۲ ر.

۴۰. همان، برگ ۳۰ ز؛ شاهنامه؛ ابوالقاسم فردوسی؛ به تصحیح جلال خالقی مطلق؛ به کوشش احسان یارشاطر؛ ناشر bibliotheca persica، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۴۵.

به هنگامه‌گیران صفیری زخم  
بت باطل از عون حق بشکنم  
مگر بازگردند از این راه زشت  
دمی بشنوند این صدای بهشت  
که شه‌نامه در مدح گبران بود  
نبی‌نامه جان مسلمان بود  
به شرع نبی شاهنامه خطاست  
نبی‌نامه مشروع و خوب و رواست<sup>۴۱</sup>

وی مرتبه‌ای دیگر در خاتمه نبی‌نامه، باز بر فردوسی و شاهنامه ایراد می‌گیرد و یکی از دلایلش را این‌گونه می‌نویسد که سخن فردوسی با «بسم الله الرحمن الرحيم» شروع نشده و در مدح کفار است. وی همچنین در ابتدای این ابیات خود را برتر از فردوسی و نظامی گنجوی معرفی می‌کند:

کس از شاعران این دررها نسفت  
نظامی و فردوسی اینها نگفت  
نبی‌نامه‌ام جلوه‌ای شوخ کرد  
که آشوب شه‌نامه منسوخ کرد  
نبی‌نامه گل‌گشت و شه‌نامه خوار  
نبی‌نامه گنج است و شه‌نامه مار  
حدیثی ز سلطان گویندگان  
در این باب دارم بین و بدان  
که هر کار نیکو منمور چوماه  
که آغاز آن نیست بسم اله  
از آن کار صوف صفا گشت دور  
به ترک تیمن در اونی و نور  
دگر هر چه در شرع گشته حرام  
نخستین آن هر که گفت این کلام  
به فتوی دینش مقرر شده  
که آن کس در آن کار کافر شده  
کنون فهم کن کآن چه کاری بود  
که بسم الله آنجا غباری بود  
دلیلی از این به نیاید حضور  
که شه‌نامه ظلم است نبی‌نامه نور  
چو شه‌نامه در مدح کفار بود  
بدان گوش کردن مرا عار بود  
نبی‌نامه سید شعرهاست  
که وصف محمد رسول خداست<sup>۴۲</sup>

### ۳. نتیجه تقابل با شاهنامه

وقتی تلاش سراینده نبی‌نامه در رویارویی با فردوسی و شاهنامه بررسی می‌شود، این نتیجه به دست می‌آید که وی حتی به اعتبار و اهمیت شاهنامه نزدیک هم نشده تا جایی که نه خودش و نه اثرش را تا به امروز کسی شناسایی نکرده است.

وی خود در چندین جا از استقبال نکردن مخاطبان و انتقاد منکران نبی‌نامه در همان زمان حیات و تألیف نالیده است از جمله:

بسی منکر از هر طرف هر نفس  
همه ژاژخایان تیره نفس  
ز راه خرد گشته ابتر شده  
نبی‌نامه منکر سراسر شده  
چو تباب نظرشان نبود ای دریغ  
ز هر پسر نهاده به خود زخم تیغ  
حسدشان دریغاکه ناچیز کرد  
به میدان مردی همه حیز کرد<sup>۴۳</sup>  
نبی‌نامه ماهی ست بیرون ز میغ  
فاما رواجی ندارد دریغ<sup>۴۴</sup>

از دلایل موفق نبودن این سراینده، خالی بودن این متن از عناصر حماسی و پهلوانی است. وی در کمترین حجم به

۴۱. همان، برگ ۴ ر.

۴۲. همان، برگ ۲۲۲ ر.

۴۳. همان، برگ ۲۲۳ پ.

۴۴. همان، برگ ۲۰۴ ر.

ذکر و توصیف جنگ‌ها و غزوات پیامبر (ص) می‌پردازد و با سرعت از آنها می‌گذرد و حتی خودش می‌گوید که به سرودن این بخش‌ها تمایلی نداشته و به اجبار آنها را سروده و همچنین نامی مجزا برای این بخش از نبی نامه انتخاب کرده و آن را «غزنامه» نامیده است:

بیات تا بیارم بیان‌های خویش      که دارم سخن در غزاهای خویش  
بیان غزا مختصر می‌کنم      که اندیشه از درد سر می‌کنم  
غزنامه باید جدا ساختن      نمانم در این نسخه پرداختن<sup>۴۵</sup>

این در حالی است که این سراینده مضامین دینی و مذهبی را با جزئیات، تکرار و اطناب در حجمی مفصل ذکر کرده و همین امر از لطافت و جذابیت اثرش بیش از پیش کاسته است. برای نمونه وی در زمانی که به ذکر معجزات آب دهان، انگشت پیامبر (ص) و سیرت و عادات ایشان مانند نحوهٔ غذا خوردن، لباس پوشیدن و... بر اساس روایات و احادیث پرداخته، برگ‌های زیادی را مسود کرده است.

از دیگر علل بی‌رونقی و ضعف این منظومه این است که برخلاف گفتهٔ خودش که می‌گوید:

مثل‌های نیکو و حکمت دگر      نکات فراوان و صنعت دگر  
کسی کو خدایش نکوبین کند      به هر بیت آن شخص تحسین کند  
که یک بیت از این در طریق بلاغ      به است الحق از گوهر شب چراغ<sup>۴۶</sup>

این منظومه از صنایع ادبی و معنوی و تصاویر زیبا و توصیفات دلنشین خالی است؛ به حدی که سراینده این متن را به نظمی خشک و بی‌روح تبدیل کرده و گویی تاریخی منظوم بر اساس احادیث و روایات متعدد پیش روی مخاطب گشوده است. همین امر سبب شده که خودش نیز در اواخر کار از بی‌میلی‌اش برای اتمام کار سخن بگوید:

چو این نسخه می‌ساختم نفس خام      بسی ترک کردش که نارد تمام  
به توفیق حق اندر این تاختم      به زجرش در این ره در انداختم  
به صلوات پیغمبر ذوالانام      به اتمام آورد این را تمام<sup>۴۷</sup>

گفته شد که سرایندهٔ نبی نامه پس از اتمام کار، منظومه‌اش را به کمال غیاث و علّف شیرازی و تعدادی دیگر از اهل فضل و شاعران شیراز (که نام نبرده) نشان داده و آنها این منظومه را تحسین کرده و پسندیده‌اند،<sup>۴۸</sup> ولی او از سرودن آن بهرهٔ مادی نبرده و چنان‌که خود می‌گوید کسی را نیافته تا این منظومه را به وی تقدیم کند و به اجرا روی قناعت کرده است. وی در آخر آرزو کرده که کتابش کاسد نشود و رواج یابد که البته این آرزو نیز محقق نشده است؛ زیرا تنها تا کنون دو نسخه از این اثر (سطور آینده) بیشتر شناسایی نشده است:

که آن شاعرانی که در پرده‌اند      چون نظم کتابی چنین کرده‌اند  
ز میرو و ملک جایزه بودشان      از آن کمتر الا بود سودشان  
من بیکس دردمند فقیر      نه سلطان شناسم نه میرو وزیر  
مرا جایزه از رسول خداست      که این نسخه تعریف آن پادشاست  
الهی رواجی ده این نسخه را      مکرر بکن تا دم نفخه‌زا  
مکن کاسد الحق نبی‌نامه‌ام      بپوشان ز الطاف خود جامه‌ام  
به ناظم سزد گر عطایی کنی      کدورات او را صفایی کنی

۴۵. همان، برگ ۱۷۴ ر.

۴۶. همان، برگ ۲۲۲ ر.

۴۷. همان، برگ ۲۱۰ ر.

۴۸. همان، برگ ۲۲۳ ر.

امیدم که خواهان این نسخه هم بدانسان شوند احسن و محترم<sup>۴۹</sup>

#### د) معرفی نسخه‌ها

از این اثر تا کنون دو نسخه شناسایی شده است که هر دو نیز در ترکیه نگهداری می‌شوند:

#### ۱. نسخه موزه کاخ توپقاپی سرای به شماره K. ۹۹۶. ۵۰

مؤلف فهرست توپقاپی بدون ذکر دقیق محل ارجاع خود، نام سراینده نبی‌نامه را حاج منصور نوشته که البته احتمالاً در پشت اوراق به این نام برخورد و این نام باید در حقیقت نام یکی از مالکان این نسخه بوده باشد.<sup>۵۱</sup>

این نسخه فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت بوده و احتمالاً در سده ۱۰ق در ۴۳۷ برگ ۲۵ سطری کتابت شده است. اشعار این نسخه در دو ستون نوشته شده و تعداد ابیات آن حدود ۲۱ هزار بیت است. در این نسخه نیز تعداد ابیات به ۲۴ هزار بیت نمی‌رسد و احتمالاً این نسخه نیز دارای نقص و حذف شدگی است.<sup>۵۲</sup>

#### ۲. نسخه کتابخانه فاتح به شماره ۴۵۱۲. ۵۳

این نسخه نیز تاریخ کتابت ندارد، ولی براساس ویژگی‌های نسخه‌شناسی، نوع کاغذ، تزئینات و... باید در حدود سده ۹ ق کتابت شده باشد. دلیل دیگر اینکه، این نسخه بعد از ۸۴۸ ق کتابت شده است؛ زیرا عنوان قبل از ذکر و مدح کمال غیاث فارسی این‌گونه نوشته شده است: «مدح مولانا کمال‌الدین غیاث فارسی رحمه الله» و براساس این دعا کمال در زمان کتابت این نسخه فوت شده بوده است.

تمامی عناوین در این نسخه به شنگرفند و کاتب نامعلوم آن اشعار این نسخه را به خط نسخ خوش در چهار ستون ۲۳ سطری در ۲۲۷ برگ کتابت کرده است. ابعاد اوراق این نسخه ۱۷/۷ × ۲۶/۳ و ابعاد متن ۱۷/۵ × ۱۱/۳ سانتی‌متر است.

این نسخه تنها یک کتیبه مذهب در برگ اول دارد که با رنگ لاجوردی و گل‌های رنگی و پیچ‌درپیچ تزئین شده و در وسط آن به خط نسخ آمده است: «مولود پیغمبر صلی الله علیه و آله». نکته جالب توجه اینکه در تمام اوراق این نسخه هر جا نامی از پیامبر به هر شکلی آمده، زیر آن عبارت صلعم نوشته شده است.

در صفحه اول این نسخه دو مهر دیده می‌شود: نخست مهری با این متن: «المتوکل علی الله الاعلی عبده درویش مصطفی» و دومی با این متن: «الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله وقف محمودخان بن مصطفی المظفر دائماً».<sup>۵۴</sup>

این عبارت نیز در زیر مهر اول در همان صفحه نوشته شده است: «قد وقف هذا الكتاب الجمیل حضرت سلطان الاعظم... السلطان بن السلطان السلطان... محمودخان ادام الله الی آخر الزمان حزه الفقیر الله تعالی درویش مصطفی المفتش باوقاف الحرمین الشرفین غفرله». همچنین یک امضای ناخوانا هم در این صفحه وجود دارد.

در این نسخه گهگاه اغلاط املائی دیده می‌شود و برخی از کلمات مشکولند و بنا بروصیت سراینده کتابت شده‌اند. سراینده در این اشعار از کاتبان نبی‌نامه خواسته است تا این موارد را رعایت کنند:

ولی زینهار و دوصد زینهار که کاتب نکوباید و مرد کار

۴۹. همان، برگ ۲۲۲ پ.

۵۰. رک به: فهرست نسخه‌های فارسی، ج ۴، ص ۳۲۶۹؛ فهرست نسخ فارسی کتابخانه کاخ و موزه توپقاپی سرای، ج ۱، ص ۲۶۰.

۵۱. شخصی با نام «حاج منصور» شیرازی در منابع یافت نشد.

۵۲. در طول نگارش این مقاله دسترسی به این نسخه فراهم نشد و اطلاع بیشتری از این نسخه در دست نبود.

۵۳. فهرست دست‌نویس‌های فارسی کتابخانه فاتح (استانبول)، ص ۴۱۰.

۵۴. نیز رک به: دانشنامه مهر و حکاکای در ایران، ص ۵۸۱.

در اعراب تقصیر ننمایدش      ز هم پی به پی فرق می‌بایدش  
دگر جیم و چیم کاف و گاف ای عزیز      ز هم زی وژی ساز فرق از تمیز  
... هر آن کس که بنویسد این نسخه نیز      بیامرزش از فضل خود یا عزیز<sup>۵۵</sup>

در نتیجهٔ این وصایا در این نسخه، این موارد در رسم الخط دیده می‌شود:

۱. واج «ژ» با سه نقطه در تمامی موارد نوشته شده است، مانند: واژگون، ژیان، مژده، دژم، مژگان، نژند؛ واج «پ» در بیشتر موارد با سه نقطه نوشته شده است، مانند: پاشنده، پالوده، پاینده، پری، پرتاب؛ واج «چ» در بیشتر موارد با سه نقطه نوشته شده است، مانند: چنان، چو، ابن ماچه (محدث مشهور)، چرک، چاکر.

۲. واژهٔ «پسر» در این نسخه به صورت «پُسر» ضبط شده است.<sup>۵۶</sup>

۳. واژهٔ «گزند» به صورت «گُزند» ضبط شده است، مانند:

یکی طشت و چندین هزاران سپند      که یا آمنه امن باش از گُزند<sup>۵۷</sup>  
که هرگز نمی‌ری نبینی گُزند      نیابی زبونی نگردی نژند<sup>۵۸</sup>

۴. واژهٔ «دژم» به صورت «دژم» ضبط شده است، مانند:

ز غم جابر آن روز آمد دژم      سوی خانه پیش ندیم ندیم<sup>۵۹</sup>

۵. واژهٔ چادر به صورت «چادُر» ضبط شده است، مانند:

ز اندوه این قصه دل برش      بیامد به هم پای در چادُرش<sup>۶۰</sup>

۶. ضبط صورت مخفّف دو واژهٔ «وی را» به صورت «وِرا»، مانند:

یکی وقت بودی معین وِرا      که آن وقت غائط شدی وِو جدا<sup>۶۱</sup>  
وِرا روزی از مال من خلد و گنج      مرا محنت وانده و درد ورنج<sup>۶۲</sup>

۷. واژهٔ «زال» به صورت «ژال» ضبط شده، مانند:

صحابه در آن روز چل تن بدند      به میدان دین ژال و بیژن بدند<sup>۶۳</sup>

#### نتیجه

منظومهٔ نبی نامه در جایگاه یکی از منابع مهم برای بررسی چگونگی شکل‌گیری و تحوّل حماسه‌های مصنوع و دینی است و وجوه اهمیت فراوان دیگری نیز مانند نحوهٔ ضبط واژگان، اطلاعات تاریخی و دینی، مردم‌شناسی، فرهنگی و... در آن به چشم می‌خورد. بنابراین تصحیح این متن و تحقیق و بررسی زوایای متنوع آن برای رفع نیازهای تحقیقاتی و پژوهشی آینده می‌تواند بسیار مفید و راه‌گشا باشد.

#### کتابنامه

تاریخ ادبیات در ایران؛ ذبیح‌الله صفا؛ انتشارات فردوس، ۱۳۶۳.

۵۵. نبی نامه (خطی کتابخانهٔ فاتح)، برگ ۲۲۲ پ و ۲۲۳ ر.

۵۶. برای نمونه رک به: برگ‌های ۴۱ پ، ۵۷ ر، ۱۵۶ ر.

۵۷. همان، برگ ۴۲ ر.

۵۸. همان، برگ ۶۷ پ.

۵۹. همان، برگ ۱۳۷ پ.

۶۰. همان، برگ ۱۸۷ پ.

۶۱. همان، برگ ۵۸ ر.

۶۲. همان، برگ ۷۵ ر.

۶۳. همان، برگ ۸۳ پ.

دانشنامهٔ مهر و حکاکی در ایران؛ محمدجواد جدی؛ انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.

دیوان اشعار؛ کمال غیاث فارسی؛ به تصحیح محسن کیانی و احمد بهشتی شیرازی؛ انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

شاهنامه؛ ابوالقاسم فردوسی؛ به تصحیح جلال خالقی مطلق؛ به کوشش احسان یارشاطر؛ ناشر bibliotheca persica، ۱۳۶۶.

فهرست دست نویس های فارسی کتابخانهٔ فاتح (استانبول)؛ محمدتقی حسینی؛ انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.

فهرست دست نویس های فارسی کتابخانهٔ نور عثمانیه؛ محمدتقی حسینی؛ انتشارات بنیاد شکوهی، ۱۳۹۴.

فهرست نسخ فارسی کتابخانهٔ کاخ و موزهٔ توپقاپی سرای؛ فهمی افندی کاراتای؛ استانبول، ۱۹۶۱ م.

فهرست نسخه های فارسی؛ احمد منزوی؛ انتشارات موسسهٔ فرهنگی منطقه ای، ۱۳۵۱.

مجموعه مقالات نخستین همایش بین المللی زبان فارسی و اندیشهٔ ایرانی. اسلامی (فریدالدین عطار نیشابوری)؛ «معرفی و متن شناسی ولی نامه» (تذکرهٔ الاولیای منظوم)؛ وحید قنبری نینز؛ حمیدرضا خوارزمی؛ فاطمه امینی زاده؛ ص ۱۳۵۵-۱۳۶۹.

نپی نامه؛ سرایندهٔ نامعلوم؛ خطی کتابخانهٔ فاتح (استانبول) به شمارهٔ ۴۵۱۲.

ولی نامه؛ حافظ علّاف شیرازی؛ خطی کتابخانهٔ نور عثمانیه (استانبول) به شمارهٔ ۲۲۹۷.